



احمد محفوظی
پژوهشگر و نویسنده

هرگز حدیث حاضر و

غایب شنیده‌ای

نقش نماز در روابط اجتماعی

مقدمه

انسان موجودی است مدنی‌الطبع و چند بعدی. فطرتش او را به طیف‌گرایی می‌کشاند و او را از درون‌گرایی به برون‌گرایی گسیل می‌دارد. هجرت آدم از جنت و سکونت در ارض و سیر مراحل کوچ به روستا، شهرک، شهر و دست‌یابی به تمدن و تشکیل انجمن، شورا و مجمع، نظریه جمع‌گرایی را تأیید می‌کند. گرچه «نماز» ارتباط انسان با خداوند منان است، عامل پیوند و هم‌بستگی انسان‌ها با یکدیگر نیز هست. در طول تاریخ یک قانون و یک سنت حاکم بوده است و آن این‌که روابط اجتماعی افراد یک مجموعه که بر اساس مادیات و جذب منافع، استوار بوده است دوامی نیافته و چند صباح بعد، شیرازه آن‌ها از هم گسیخته است. لیکن ارتباطات جمعی که بر پایه خدا و خدا محوری استوار بوده و مفاهیم:

۱. و اعتمسوا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (آیه ۱۰۳، سوره

به تعبیر مقام معظم رهبری، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد



آل عمران)

۲. یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (آیه ۲۰۰، سوره آل عمران)
را جزو دستور کار جمع خود قرار داده است، علاوه بر ایجاد حس اعتماد بین مجموعه، پایداری را در پی داشته است. مظهر اعلای این ارتباط جمعی را در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، که از اقوام و ملل با زبان‌های متفاوت گرد می‌آیند، مشاهده می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، ارتباط جمعی، انضباط

اجتماعی

راهکارهای اجرایی ارتباط جمعی در پرتو نماز
عوامل ذیل و راز و رمزهای نماز به منزله راهکارهای
اجرایی در تحقق ارتباط جمعی مرتبط با نماز قلمداد شده

است:

(۱) نقل است پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - بعد از اتمام نماز، روبه مأمومین می نشست تا بعد از ارتباط با خدا، ارتباط عاطفی با مخلوق هم پیدا شود و اگر مأمومی دیده نمی شد، سراغ او را می گرفتند، در صورتی که بیمار یا گرفتار بود، مشکل او را مرتفع می ساختند. (۲) سفارش شده است دست خالی به مسجد نروید، زیرا نیازمندانی که به مسجد مراجعه می کنند نومیید از خانه خدا بیرون نروند. پرداخت زکات مال به فقرا، به همراه اقامه نماز، جمع بین حسن هاست. عملکرد حضرت علی - علیه السلام - که در حال رکوع، انگشترش را به سائل داد، تأییدی بر ایجاد عاطفی بین مصلی و مستمند است (قرائتی: ۸۳)

(۳) در سوره شوری، آیه ۳۸ در بیان صفات مؤمنین آمده است: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون» به مشورت، پس از امر برپایی نماز اشاره شده و قطعاً مشورت و شورا وابسته به یک مجموعه است و تسهیل روابط جمعی را در پی خواهد داشت. در دوران قیام ملت علیه طاغوت، در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶ مشورت، در مسجد صورت می گرفت.

(۴) انسان به غیر از برادر تنی، به برادر دینی هم نیاز دارد و بر اساس آیه ۱۱، سوره توبه، مشرکین، اگر توبه کنند و نماز برپای دارند و زکات را پرداخت کنند در جایگاه برادر دینی قرار خواهند گرفت. یکی از پل های ارتباطی برای وصول به سیستم برادر دینی، نماز است.

(۵) ارزش انسان این گونه توصیف شده: انسان مخلوقی است که به همراه خلق به سوی خالق، هم سو با طبیعت و خلقت، حرکت می کند و نماز این توصیف را معنی می بخشد.

(۶) مصلی اگر نماز فردی بخواند با زبان خود می گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می جوئیم. بیان این گونه، از اتصال انسان با دیگران حکایت می کند (تفسیر نمونه، ج ۱: ۴۴). اگر این گونه نمی بود باید می گفت: «ایاک ابد و ایاک استعین». همین نماز گزار که به تنهایی نماز می خواند، به لحاظ ارتباط با هم نوعان و خیرخواهی برای همگان، می گوید «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه راست هدایت کن. همین بیان بندگان خواهی در سلام آخر نماز نیز مشهود است: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» سلام بر نماز گزاران و بر بندگان نیکوکار خداوند. شهید مطهری می فرماید: «در سوره حمد که جزء قطعی نماز



مظهر اعلای این ارتباط جمعی را در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) که از اقوام و ملل با زبان های متفاوت گرد هم می آیند، مشاهده می کنیم

است می گوئیم: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» خدایا ما تنها تو را می پرستیم، خدایا ما تنها از تو کمک و استعانت می جوئیم. یعنی می گوئیم: خدایا من تنها نیستم، من با همه مسلمان های دیگر هستم. ضمناً انسان، وابستگی و پیوستگی خودش به جامعه اسلامی را در حال عبادت و بندگی اعلام می کند. خدایا، من فرد نیستم، تک نیستم، من عضوم، جزئی از کل و عضوی از پیکر هستم. «ما هستیم، نه من». در دنیای اسلام «من» وجود ندارد «ما» وجود دارد. (گفتارهای معنوی: ۵ - ۹۴).

(۷) اقامه گر نماز با همه بندگان صالح خدا اعلام صلح و صفا می کند. اعلام همزیستی مسالمت آمیز با همه افراد شایسته می کند. در حال نماز می گوید: من با هیچ بنده شایسته ای سر جنگ ندارم، چون اگر با بنده شایسته ای سر جنگ داشته باشم خود ناشایسته ام.

(۸) در مسئله ۱۴۰۲ رساله توضیح المسائل امام (ره) آمده است: مستحب است که انسان صبر کند نماز را به جماعت بخواند. نماز جماعت، از نماز اول وقت فردی که آن را طول بدهند، بهتر است. این سه معیار، حاکی از عنایت ویژه به ارتباط جمعی و ارتباط انسان هاست و جماعت بر تکروی رجحان دارد.

(۹) برای اتصال قطره به دریا، شارع مقدس توصیه می کند زمانی که جماعت برپا می شود و نماز گزار نمازش را فرادا خوانده است، آن را با جماعت اعاده کند (مسئله ۱۴۰۳، توضیح المسائل امام رحمه الله علیه).

(۱۰) نماز گزارانی که به بیماری و سواس مبتلا هستند مرض آنها با دوی نماز جماعت حل می شود، به این طریق می فرماید: کسی که در نماز و سواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از سواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند (همان، مسئله ۱۴۰۵).

(۱۱) در عید فطر که شادمانی روزه داران بعد از یک ماه روزه داری فراهم می شود، شارع مبین توصیه می کند نماز عید را در زمان غیبت امام - علیه السلام - به جماعت و به قصد رجاء بخوانند (همان، مسئله ۱۴۰۷)، همین سفارش در عید قربان نیز به چشم می خورد تا پیوند نماز گزاران عید قربان استحکام بیشتری یابد.

(۱۲) «یدالله مع الجماعه»، در بینش فقهی برای رفع خشک سالی و نزول باران و فرود آمدن رحمت الهی از آسمان، به نماز استسقاء فرمان می دهد تا دل های شکسته مردمان، دفع صد بلا بکنند. گرچه نمازهای مستحبی از جماعت استثناست، ولی جماعت مردم در نماز استسقاء توصیه شده اند تا با نماز جماعت دل ها را بیشتر به هم پیوند دهند (همان، مسئله ۱۴۰۷).

۱۳) در بخش نامه فقهی، اصل جماعت است و فردی گویی فرع. هر گاه نماز گزار به نماز مستحبی اشتغال دارد و از سوی دیگر نماز جماعت برپا شد در صورتی که اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت می‌رسد، به وی اجازه داده است نماز مستحبی را رها کند و به دریا بپیوندد یعنی مشغول نماز جماعت شود.

۱۴) فرامین مستحبی، پیرامون اقامه نمازهای واجب به صورت جماعت حاکی از داشتن ثواب مضاعف، به طوری که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نمازش ثواب ۱۵۰ نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت آنها ثواب ۶۰۰ نماز دارد، یا حاضر نشدن به جماعت، از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و شایسته نیست که نماز گزار بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند. این‌ها همه از نقش کاربردی نماز بر محور ارتباط جمعی حکایت می‌کند.

راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی در پرتو نماز

قبل از ارائه راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی، ضروری است واژه «انضباط» را بررسی کنیم. انضباط از باب انفعال در فرهنگ‌های لغات به معانی ذیل آمده است:

۱. سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن؛
۲. سامان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب؛
۳. پیروی کامل از دستورهای نظامی، «دیسپلین در زبان فرانسوی DISCIPLINE» مقابل بی‌انضباطی (فرهنگ معین)؛
۴. پیوستگی (غیاث اللغات)؛
۵. نظم و انتظام و ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج (فرهنگ ناظم اطباء).

در اسرار الصلوة، تألیف حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (ترجمه رضا رجب‌زاده)، ص ۴۹۱ آمده است:

حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، است. گذشته از این، نماز جماعت در تکمیل نفوس و قوت آنها در سیر الی‌الله و جلب فیوضات الهی، بسیار مؤثر است.

مثل اجتماع قلوب، مثل اتصال آب‌های قلیل به یکدیگر است که چون به یکدیگر متصل شوند از صورت آب قلیل در می‌آیند و کر می‌شوند، که دیگر به اندک نجاستی، طهارتش را از دست نمی‌دهد.

مسئله نظم، در زندگی یک اصل است و نظم، عامل پیشرفت و بی‌نظمی، عامل شکست انسان‌ها در طول حیات بوده است.

شخص بی‌نظمی که خود را به موقع به ایستگاه راه‌آهن نرساند لکوموتیو و قطار از دسترسی او خارج می‌شود. داوطلب بی‌نظمی که خود را به موقع به جلسه آزمون ورودی دانشگاه نرساند، از ورود به دانشگاه محروم می‌گردد.

در سوره ماعون می‌خوانیم «فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون» وای بر نماز گزارانی که در عمل به نمازشان بی‌نظم‌اند، نه ارزش برای آن قائل‌اند، نه به اوقاتش اهمیت می‌دهند، نه ارکان و شرائط و آدابش را رعایت می‌کنند و نماز را از وقت فضیلتش به تأخیر می‌اندازند. (تفسیر نمونه، ج ۲۷: ۳۶۵).

اما راهکارهای اجرایی ذیل، تقویت و انسجام انضباط اجتماعی را موجب می‌شود:

۱) وقت‌شناسی برای برپائی نمازهای یومیه در موعد مقرر و آن هم تأکید بر احراز دخول وقت، در انسان ایجاد نظم می‌کند.

۲) اگر نماز گزار پیش از وقت، نماز بخواند و در بین نماز بفهمد که به موقع شروع نکرده است چون بی‌نظمی کرده تنبیه می‌شود و نمازش باطل اعلام می‌گردد (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۴۵).

۳) اگر مصلی نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب عمداً بخواند چون ترتیب را به هم زده است نمازش باطل است (همان، مسئله ۷۵۵).

۴) چنانچه نماز گزار، ترتیب نماز را، که خود یک اصل است، عمداً به هم بزند، فی‌المثل سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، چون مرتکب بی‌نظمی شده، نمازش از درجه اعتبار، ساقط می‌گردد. رعایت موالات هم در نماز، از این قاعده مستثنا نیست. نماز گزار نباید بین اجزای نماز همانند رکوع، سجود و تشهد به اندازه‌ای فاصله بیندازد که بگویند نماز نمی‌خواند (همان، مسئله ۱۱۴).

۵) اطاعت مأموم از امام، انضباط اجتماعی را در افراد پرورش می‌دهد. مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید. (مسئله ۱۴۶۷). نباید عمداً پیش از امام به رکوع و سجود برود. در این صورت مرتکب معصیت شده است ولو نمازش را صحیح منظور نمایند (مسئله ۱۴۷۰). چنانچه پیش از امام، سهواً سر از رکوع بردارد و امام هم در حال رکوع باشد، به منظور ایجاد نظم و وحدت در بین نماز گزاران، باید به رکوع برگردد. هر چند رکوع، رکن است و افزایش رکن، باعث ساقط شدن نماز از درجه اعتبار می‌شود. در اینجا ارفاق شده است و نماز مأموم را باطل اعلام نمی‌کنند (مسئله ۱۴۷۱).



۶) اگر در صف‌های جماعت جا باشد، کراهت دارد انسان تنها بایستد (مسئله ۱۴۸۸) در دریا، گروهی که با هم شنا کنند صحیح نخواهد بود شناگری در گوشه‌ای تنها شنا کند. قطعاً به هنگام خطر جان سالم به‌در نخواهد برد.

۷) نماز، انسان را از کار زشت و فحشا باز می‌دارد. اگر انسان نماز خواند و مرتکب فحشا و منکر شد از نداشتن نظم و هماهنگی بین دل و زبان او سرچشمه می‌گیرد، به قول سعدی:

هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگرست.

۸) در آیه ۳۱، سوره اعراف می‌خوانیم: «خذوا زینتکم عند کل مسجد»، زیرا زینت مساجد جلوه‌ای از آراستگی و انضباط اجتماعی است (قرآنی، ص ۱۰۲).

۹) پاک‌ی از مصادیق آراستگی و اصول انضباطی است. لباس نمازگزار باید پاک باشد، اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش مردود و مطرود است (توضیح المسائل امام، مسئله ۷۹۹).

۱۰) پرهیز نمازگزار از لباس غضبی، زمنیه رعایت حقوق و نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. در صورت بی‌توجهی به غضب و عمد در کار، نمازش محلی از اعراب نخواهد داشت (همان، مسئله ۸۱۵).

۱۱) به هنگام پرداختن به غسل جنابت به منظور آماده شدن برای نماز، چنانچه نمازگزار از سیستم غسل ترتیبی استفاده نکند و عمداً به ترتیب سر و گردن، طرف راست و طرف چپ بدن را نشوید غسل او پذیرفته نخواهد بود (همان، مسئله ۳۶۱).

۱۲) حضور یافتن مردم در نماز جمعه و رعایت آداب آن علاوه بر ایجاد ارتباط جمعی بین نمازگزاران، با برپائی همایش عبادی - سیاسی مردم و گردهمایی معنوی آنان، به ما درس انضباط اجتماعی و وحدت و استواری می‌آموزد.

۱۳) ویل دورانت مورخ و دانشمند آمریکائی، درباره زیبایی نماز، در جوامع اسلامی که نشئت گرفته از انضباط اجتماعی است، در کتاب «تاریخ تمدن، عصر ایمان» می‌گوید: در جامعه‌های اسلامی، مؤذن از گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز دعوت می‌کند. به راستی چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند. چه خوب است انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند توجه کند. چه خوش آهنگ است صدای مؤذن که جان‌های محبوس در پیکر خاکی را به سوی خالق بخشنده و مهربان دعوت می‌کند. هنگام نماز، هر مسلمانی باید از کار خود دست

بردارد، خود را تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد و رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر، در اوقات مختلف روز عمل می‌کنند به انجام برساند (نماز از دیدگاه دانشمندان...، ص ۳۰).

۱۴) در راه تحقق بخشیدن به انضباط اجتماعی، عوامل بازدارنده‌ای همانند اعتقاد به امتیازات نژادی و طبقاتی و ملی‌گرایی وجود دارد. نماز، این عوامل بازدارنده را از میان برمی‌دارد زیرا در صفوف نماز، نمازگزاران از هر نژاد، رنگ و ملیت که باشند برابرند. در کنار هم بر خاک می‌افتند و با هم برمی‌خیزند (نماز، مؤسسه در راه حق، بخش اول).

۱۵) به تعبیر مقام معظم رهبری، نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. جمع‌بندی راهکارهای اجرایی در تسهیل روابط جمعی و تقویت انضباط اجتماعی، می‌تواند فرهنگ بی‌تفاوتی را، که یکی از ابزارهای موفقیت دشمن در زمینه تهاجم فرهنگی اوست، حذف نماید و به عبارت دیگر، حذف فرهنگ بی‌تفاوتی از طریق راهکارهای اجرایی نماز، موجب استمرار و بیمه انقلاب اسلامی و حاکمیت صالحان و خنثی شدن ترفند دشمنان اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. حسن ختام این نوشتار را با حسن مطلع این عبارت به پایان می‌بریم که زندگی بدون نماز، یعنی حیات بدون تحرک، سرباز بدون اسلحه، آبشار بدون آب، کوه بدون قله، هوای بدون اکسیژن، آتش بدون حرارت و باد بدون برودت.

در زندگی بدون نماز، انسان به‌صورت میت متحرک، ماشین کوکی و همانند عشق دروغین درمی‌آید. آخرین نظریه فلاسفه شرق و غرب این عبارت است که انسان در زندگی مادی، زمانی از پوچی و سرگردانی نجات می‌یابد که به دامان «نماز» پناه ببرد. *

پی‌نوشت

مجموعه مقالات نماز و زندگی (هشتمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۷

منابع

۱. امام خمینی (ره)، توضیح المسائل
۲. قرآنی، محسن، ۱۱۴ نکته درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۲
۳. کارگر، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۷۵
۴. شهید مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی
۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه
۶. مؤسسه در راه حق، نماز، قم، ۱۳۶۱

حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، است

